

نگاهی به کتاب

# آئینه سکندری

## نوشته آقاخان کرمانی

○ سهیلا صفری



آقاخان کرمانی در زمره اندیشمندی است که آثار وی باید در مواجهه ایران با تمدن غرب مورد مطالعه قرار گیرد. زیرا در این رویارویی با غرب است که برای وی و دیگر اندیشمندان، شناخت نسبت به عقب‌ماندگی ایران و پیشرفت غرب مطرح می‌شود. تلاش برای کشف علل این عقب‌ماندگی و گاه ارائه راه‌حلی برای خروج از آن، از جمله نتایج آن است. برای آقاخان در کتاب آئینه سکندری چنین دغدغه‌ای وجود دارد، چنانکه در باب علت تألیف آن می‌گوید:

در سال ۱۳۰۷ (ه. ق) که کتابی در ادبیات فارسی موسوم به آئینه سخنوری را به یکی از بزرگان عرضه نمودم. وی ضمن تحسین بیان داشت که آنچه برای ما ضروری است تاریخ است نه ادبیات. «اما نه تاریخی که در مشرق معمول و متداول است به طوری که خوانندگان را مقصودی جز استماع قصه و افسانه و مجرد گذراندن وقت و نویسنده را نیز منظوری غیر از ریشخند و خوشامدگویی و بیهوده‌سرایی نمی‌باشد بلکه تاریخ حقیقی که مشتمل بر وقایع جوهری و امور نفس‌الامری تا سائق غیرت و محرک ترقی و موجب

○ آئینه سکندری

○ مؤلف: آقاخان کرمانی

○ ناشر: وزارت معارف، ۱۳۲۶ ق.

تربیت ملت بتواند شد و خواننده با مطالعه صفحات آن خود را از عالم غفلت و عرصه بیخبران بالاتر بیاورد لاجرم طرح نوشتن و تألیف این کتاب را ریختم.»<sup>۱</sup> و در تألیف این کتاب تاریخ سعی دارد «در هر عصر دلایل ترقی و تنزل و موجبات سعادت و انحطاط این ملت قدیم را به براهین تاریخیه بیان کند.»<sup>۲</sup> تألیف این اثر در سال ۱۳۰۷ شروع و در سال ۱۳۰۹ به پایان رسیده است. چاپ این کتاب در سال ۱۳۲۴ در عهد مظفرالدین شاه آغاز، اما به علت توقیف و تعطیل طبع، در سال ۱۳۲۶ انجام شده است. آئینه سکندری شامل تاریخ ایران از آبدیان تا فوت پیامبر (ص) است. البته

طرح اولیه آن مشتمل بر مجموعه سه جلدی از آبدیان تا دوره سلاطین قاجار و ظهور شیخیه و بابیه و دجال‌ها» بوده اما نویسنده تنها موفق به نگارش جلد اول آن در تاریخ ایران باستان شده است.

کتاب مشتمل است بر دیباچه‌ای که نویسنده در آن به بیان علت تألیف اثر پرداخته و در بخشی از آن با عنوان «مقدمه» به فایده تاریخ می‌پردازد. به دنبال آن در پنج گفتار تاریخ ایران را از آبدیان تا فوت پیامبر (ص) بیان می‌کند. گفتار نخستین، مباحث تاریخ آبدیان، آجامیان، زرتشت، ماردوشان، کاوه، فریدون و فرزندان، ایام فترت و عصر پهلوانی، افسانه‌های قدیم، علوم و صنایع و آشور و بابل را دربر می‌گیرد.

گفتار دوم دارای فصول ماده‌ها، هخامنشیان و نیز تاریخ یونان و مصر تا حمله اسکندر است.

گفتار سوم حمله اسکندر، سلوکیان، اشکانیان و تاریخ روم را بررسی نموده است.

گفتار چهارم به مباحث ساسانیان، حمله اعراب و نیز دیدگاه مؤلف در باب تاریخ ایران اختصاص دارد.

گفتار پنجم تاریخ عرب و ظهور پیامبر تا فوت پیامبر اسلام (ص) را دربر می‌گیرد.

همچنین این اثر دارای یک بخش پایانی با عنوان «خاتمه» می‌باشد که مؤلف در آن از اهالی ایران، روحانیان و دولتمردان، احیای عظمت و مجد ایران و در پیش گرفتن اقداماتی جهت ترقی ایران را خواستار شده است.

هر چند این اثر در مقایسه با «نامه خسروان» اثر جلال‌الدین میرزای قاجار درخور تأمل است و پیش از تاریخ باستان مشیرالدوله پیرنیا، مهم‌ترین اثر به قلم ایرانیان در باب تاریخ ایران باستان می‌باشد؛ اما اهمیت آن نه به دلیل محتوای اثر در باب تاریخ ایران باستان بلکه به واسطه دیدگاه وی در باب تاریخ و شیوه تاریخ‌نگاری است. زیرا او از این دیدگاه سنت تاریخ‌نگاری ایران را به بوتۀ نقد

می‌کشد. آقاخان کرمانی فایده تاریخ را به دو بخش عمومی و خصوصی تقسیم کرده، چنین می‌گوید: «تاریخ بحث می‌کند از اطوار و حرکات مردمان نامی و ترقی و تنزل ملل مختلف دنیا در هر عصر و ظهور شرکت‌های بشریه در هر زمان. و تحقیق و تفتیش عادات و اخلاق و موجبات انحطاط و انقراض دولت‌ها. و هر چه از وقایع عبرت بخشای اعصار خالیه در خور و شایان تذکار باشد. لاجرم حکمت تاریخیه به مثابه آئینه گیتی‌نماست که ذهن آدمی را برای فهمیدن اسباب ظهور هر قدرت و شوکت و انقراض هر دولت باز کرده او را در عالم انسانیت موفق به اجرای کارهای بزرگ می‌سازد که از جمعیت بشریه مهالک موجود را دفع و خاطرات ملحوظه را منع کردن تواند.»<sup>۲</sup>

او در بیان فایده خصوصی تاریخ، بر آگاهی هر ملتی از تاریخ خود تأکید دارد، چنانکه می‌گوید: «ملتی که تاریخ گذشتگان و اسباب ترقی و تنزل خود را نداند کودکی را ماند که پدر و نیاکان خود را نشناسد کیانند و چه نام داشتند، بدیهی است که پیشامد حال آیندگان را هم نخواهد دانست.

آقاخان کرمانی تاریخ را «قباله نجابت و سند بزرگواری و شرافت و دلیل اصالت هر قوم» می‌داند و وظیفه هر ملتی را کشف تاریخ خود از روی «معلومات جوهریه و محاکمات فلسفیه» می‌داند نه از روی «تاریخ دروغین و اساطیر بی‌اصل». وی همچنین قدرت و پایداری هر ملتی را در برابر حوادث ریشه برانداز و تبدلات ناشی از «استعلا و انحطاط اداری که در تاریخ هر ملت امری طبیعی است» در تمسک به تاریخ می‌داند.<sup>۳</sup>

کرمانی در میان آثار برجای مانده از ایرانیان در باب تاریخ این ملت، تنها شاهنامه فردوسی را حایز اهمیت دانسته، دیگر منابع ایرانی را به این علت که اعراب در حمله خود به ایران آثار ایرانی را از بین برده و بنابراین ایرانیان از آن پس تنها به افسانه‌هایی که در میان، «دهقانان و پیره‌زنان» رواج داشته استناد کرده‌اند فاقد اهمیت می‌داند.

آقاخان در تألیف این اثر از یافته‌های باستان‌شناسی و نگاشته‌های تاریخی غربیان استفاده فراوان کرده است. همین امر مطالب صرفاً تاریخی و سلاله‌ای این اثر را برای عصر ما که با دیدگاه‌ها و یافته‌های جدید در باب تاریخ باستان مواجه هستیم، بی‌اعتبار می‌کند. اما او در استفاده از این آثار گاه به نقد آنها نیز می‌پردازد، چنانچه آثار رومیان و مورخان غربی در باب شیوه جنگیدن پارت‌ها و علت تسلط نیافتن رومی‌ها بر پارت‌ها را نوعی توجیه جهت تفوق نیافتن رومیان و تلاش برای کاستن از اقتدار اشکانیان می‌داند.<sup>۴</sup>

از آنجا که کشف علل ترقی و تنزل ایران برای وی بسیار حایز اهمیت است، بنابراین تنها به بیان وقایع و رویدادهای تاریخ آن عصر نپرداخته بلکه ضمن اشاره به عظمت دولت‌های عصر باستان، علل سقوط آنها را نیز بیان می‌کند. چنانکه به بیان علل سقوط هخامنشیان و ساسانیان پرداخته است.

آنچه بر اهمیت این اثر می‌افزاید تفسیرها و اعتقادات مؤلف در باب نظام سیاسی ایران و برخی ویژگی‌های خاص تاریخ ایران است که از طریق آن به بیان علل عقب‌ماندگی ایرانیان می‌پردازد. و در این رهگذر عصر خود را نیز به بوجه نقد می‌کشد. وی معتقد است که به دلیل نوع حکومت ایران، ترقی و تنزل و ضعف و قوت دولت ایران همیشه متکی به شخص شاه بوده در حالی که قوت دیگر ملل غیر از اتکا به شخص شاه، مبتنی بر «مجلس سنا و قانون و حکمت و اتحاد عموم اهالی ملت در منافع و خسارات» بوده است.

از نظر وی ایرانیان همواره مطیع حکومت بوده، هیچ‌گاه درصدد تغییر

## اهمیت کتاب «آئینه سکندری» نه به دلیل محتوای اثر در باب تاریخ ایران باستان، بلکه به واسطه دیدگاه آقاخان کرمانی در باب تاریخ و شیوه تاریخ‌نگاری است. زیرا او از این دیدگاه سنت تاریخ‌نگاری ایران را به بوجه نقد می‌کشد

حکومت و کسب مساوات حقوق و آزادی برنیاورده‌اند و اگر زمانی از حکومت به تنگ آمده‌اند، تنها به تغییر شخص شاه و نه تغییر وضع موجود اکتفا کرده‌اند. به همین دلیل او مزدک را تنها استثنا در این باب می‌داند.<sup>۵</sup>

همچنین کرمانی قیام کاوه را فضیلتی ملی برای ایرانیان می‌داند و به رد نظر مورخی انگلیسی که کاوه و فریبون را یک شخص می‌دانست می‌پردازد و معتقد است که او می‌خواهد «این فضیلت را که در طبع ملت بوده به شخص فریبون نسبت دهد و او را به لوث آرزوی پادشاهی بیالاید.»<sup>۶</sup>

وی اینچنین به توصیف عصر خود می‌پردازد «اما در این عصر فرخنده که به اعتقاد مورخین چاپلوس حین بحبوحه سعادت و اوج کمال ایران است از آثار و علایم مشهوده که

دیگر خون فاضل و عرق پاک و رگ غیرت و جمعیتی در بدن اهالی نمانده و اخلاق وضع و شریف رو به فساد نهاده چنین برمی‌آید که کار این ملت قدیم و جنس شریف سخت عناصر که زیاده از پنج هزار سال در برابر سیل و تهاجمات روزگار مقاومت می‌نمایند به انقراض ابدی و ذلت دائمی بکشد چرا این انقراض نجابت و مقذوفات مدنیت جز پاره اخلاق فاسده و طبایع رذیله و نفوس شقیه شریزه و قلوب قاسیه جاثیه و مردم بی‌عار و ننگ و بزرگان بی‌ناموس و غیرت و ذوات خودپرست خودبین که ناموس تمام ملت را فدای یک ذره منفعت شخص خود می‌کنند و برای یک دلخواه و هوس بیجا، همه مخلوق خدا را گوسفند قربانی خود می‌خواهند و از رعیتی که به همه این مذلت‌ها با کمال افتخار گردن نهاده چیزی باقی نمانده است، بدیهی است که مال این حال اسف اشتمال به کجا خواهد کشید. فسدالحاکم و المحکوم و ضعف الطالب و المطلوب. این ملت بزرگ در زمان دارا صد میلیون پارسی زبان داشت و در زمان ساسانیان پنجاه و سه میلیون، اکنون سرو کارش به هشت میلیون بالغ شده و اگر از همین منوال که هست پیش رود تا پنجاه سال دیگر این بقیه‌السیف هم مانند یهودیان در اطراف دنیا پراکنده خواهند شد و خاک غیرمسکون ایران مابین دول همجوار برداروار تقسیم می‌شود و آنجا را از مستعمرات جدید خویش قرار می‌دهند.»<sup>۷</sup>

یکی دیگر از ویژگی‌های آقاخان کرمانی که از لابلای مطالب کتاب به چشم می‌خورد، روحیه عرب‌ستیزی اوست که در برخی از اشارات تاریخی آن مشاهده می‌شود.<sup>۸</sup>

بنابراین باید به مطالعه دقیق و همه جانبه آثار آقاخان و دیگر اندیشمندان از این دست که دلمشغولی عمده آنها تربیت ملت، کشف علل ترقی و تنزل ایران و راه‌حل برای این مسایل بود، مسایلی که در عصر ما نیز همچنان به قوت خود باقی است، پرداخت تا شاید با توسل به تجربه‌های پیشین، به راهی نو و کارساز در حل این مسایل دست یابیم.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. میرزا آقاخان کرمانی، آئینه سکندری، وزارت معارف، ۱۳۲۶ ق. ص ۸.
۲. همان، ص ۲۲.
۳. همان، ص ۱۱.
۴. همان، ص ۱۲.
۵. همان، ص ۴۱۲.
۶. همان، ص ۵۲۲.
۷. همان، ص ۷۲.
۸. همان، صص ۳۶۷ و ۳۶۶.
۹. همان، ص ۵۲۴.